

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

واکاوی خردورزی راهبردی (عقلانیت استراتژیک)

درفعالیت های سیاسی - اجتماعی امامان شیعه «علیهم السلام»

مقدمه

عقل و خرد موهبتی است که خداوند متعال از میان همه مخلوقات خود به انسان ارزانی داشته است، هرچند ملائکه و جن ها هم از نیروی عقل برخوردارند ولی ملائکه در مرتبه عقلانی خود ثابت هستند و دایره اختیارشان مشخص است و قدرت عقلانی اجنه هم پایین تر از انسان ها می باشد؛ به طوری که انسان می تواند آنها را تسخیر کند. انسان با داشتن نیروی عقل به همراه اختیار و حق انتخاب در عالم هستی جایگاه ویژه ای دارد. هر کسی به اندازه توان و استعداد خود از این نیروی خدادادی بهره مند می شود و به کمک نیروی خرد و عقل، شرایط پیرامونی خود را می سنجد و تصمیم می گیرد. در این میان نیروی عقل و خرد در انسان به او این امکان را می دهد که محذورات و مقدورات را شناسائی کند و به میزان توان موجود، اقدام کند. در بین انسان ها افرادی بوده و هستند که خداوند عنایت خاصی به آنها کرده و عقل آنها را به نهایت رسانده تا رسالت خداوندی را به درستی به مردم ابلاغ کرده و الگویی برای دیگران باشند. این افراد در تفکر شیعه به انبیاء و معصومین معروفند که گفتار و رفتارشان برای دیگران حجت و مایه عبرت است. دراین نوشتار می خواهیم گوشه ای از توان عقلانی ائمه را با استفاده از نظریه خردورزی راهبردی بررسی کنیم.

عقل ابزاری و عقل رحمانی

در مباحث نظری عقل را به گونه های مختلفی تقسیم می کنند؛ اما در اینجا از میان تقسیم بندی های مختلف، دو سرطیف تقسیم بندی ها را در کنار هم قرار می دهیم تا حدودی شکاف نگاه های متفاوت به عقل و خرد روشن شود. براساس طیف بندی و شکاف دیدگاهی، می توان عقل را به عقل ابزاری و عقل رحمانی تقسیم کرد. عقل ابزاری عقلی است که به میزان سود و زیان دنیوی حاصله از یک اقدام و کنش، توجه می کند و نتیجه اقدام در این نوع عقلانیت اهمیت دارد ولی عقل رحمانی، عقلی است که «مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَانُ وَ اُكْتُسِبَ

بِهِ الْجَنَانُ» نامیده می شود یعنی عقلی که به واسطه آن خداوند متعال پرستش می شود تا بهشت برین به دست آید. عقل و خرد رحمانی به عاقبت و غایت یک اقدام و فعل به عنوان یک وظیفه، توجه می کند و خیر و شرّ معنوی و آخروی را در نظر می گیرد. برای فهم تفاوت خرد ابزاری و خرد رحمانی جا دارد در این جا به یک حکایت تاریخی اشاره کنیم. روزی شخصی، به محضر مبارک امام صادق «علیه السلام» آمد و از آن حضرت در خصوص سفر تجاری که می خواست انجام دهد؛ تقاضای استخاره نمود. امام صادق (ع) در جواب استخاره آن شخص فرمود: استخاره تو بد آمد و از این سفر صرف نظر کن ولی آن شخص بدون توجه به جواب استخاره سفر تجارتي خود را انجام داد و سود خوبی هم به دست آورد. وقتی خدمت امام صادق (ع) شرفیاب شد، عرض کرد: ای فرزند رسول خدا، شما در جواب استخاره من، فرمودید که استخاره بد آمده و مرا از سفر نهی کردید، اما در این سفر سود و منفعت خوبی به دست آوردم. امام صادق فرمود: آیا در این سفر هیچ واجبی از تو قضا نشد و همه تکالیف شرعیت را به درستی انجام دادی؟ آن شخص عرض کرد: چرا یکبار نماز صبحم قضا شد، امام فرمود: همین قضا شدن نماز بود که استخاره، تو را از رفتن به این سفر نهی کرد. در این داستان به خوبی متوجه می شویم که نگاه آن شخص مسافر کاملاً بر اساس سود و ضرر مادی و بر پایه عقلانیت ابزاری بود و جواب امام صادق (ع) بر اساس معیار های بندگی خداوند متعال و بر مبنای عقلانیت رحمانی بود.

تقسیم بندی دیگری وجود دارد که عقلانیت را به شکل دیگری تقسیم می کند. در این تقسیم بندی عقلانیت بر اساس الگوی نظریه بازی ها به دو گونه عقلانیت پارامتریک (خردورزی کاربردی و یا شاخصی) و عقلانیت استراتژیک (خردورزی راهبردی) تقسیم می شود. در عقلانیت پارامتریک، فرد تصمیم گیرنده فقط شرایط اقدام و کنش خود را در نظر می گیرد و در مقابل کار او رقیبی وجود ندارد مانند تیراندازی که می خواهد تیر را به هدف بزند. در این حالت تیرانداز باید تمام همّت خود را صرف اصابت تیر به هدف کند. در عقلانیت استراتژیک، فرد باید رقیب خود را هم در تصمیماتش لحاظ کند و اقدام فرد مقابل، در نتیجه کار کنشگر تاثیر دارد. مثلاً کسی که می خواهد در بازی شطرنج بر رقیب خود پیروز شود باید به حرکات حریف خود توجه کند و سعی کند حرکت ها و کنش های بعدی رقیب خود را حدس بزند.

عقلانیت در راهبرد های چهارگانه ائمه اطهار «علیهم السلام»

ائمه اطهار (ع) در فعالیت های سیاسی - اجتماعی خود شرایط، امکانات و محذورات را در نظر می گرفتند و تصمیم های خود را بر اساس واقعیت های موجود اتخاذ می کردند. در کنار توجه به واقعیت ها، آنها از بیان حق

وراهنمائی مردم به سوی آرمان شهر نبوی غافل نبودند و در این راه سختی های زیادی را تحمل کردند. در دوران حیات ائمه اطهار، سه سلسله مختلف حکومتی زمام امور جامعه مسلمین را در دست گرفتند. بعد از رحلت پیامبر اسلام؛ ابوبکر، عمر، عثمان و علی بن ابی طالب به ترتیب خلیفه مسلمین شدند و بعد از سپری شدن دوران خلفای اربعه، معاویه ابن ابی سفیان خلافت بنی امیه را تاسیس کرد که حدود ۹۰ سال دوران خلافت بنی امیه طول کشید. بعد از سقوط امویان به دست ابومسلم خراسانی، دوران خلافت بنی عباس شروع شد که بیش از ۵ قرن به طول انجامید. در همه این دوران ها امامان شیعه با توجه به فضای فکری حاکم بر جامعه، فعالیت های خود را منطبق با شرایط موجود، تنظیم می کردند. در هر زمانی دستگاه سیاسی حاکم، رفتار ائمه را تحت نظر داشت و به آنها به عنوان رقیبان خطرناک خود نگاه می کرد و امامان شیعه هم با عنایت به رویکرد رژیم حاکم، روش های متفاوتی را در این دوران پرفراز و نشیب در پیش گرفتند که در اینجا بر اساس خردورزی راهبردی، دوران حیات ائمه را به چهار دوره مختلف تقسیم کرده ایم.

۱ - راهبرد دستیابی به قدرت (ائمه السیف) :

* امام علی بن ابی طالب، امام حسن بن علی و امام حسین بن علی « علیهم السلام »

این دوره، زندگی سه امام را دربر می گیرد که از امام علی بن ابی طالب شروع می شود و به امام علی بن الحسین ختم می شود. در این دوره، امام علی و امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) با حکومت وقت سروکار داشتند به طوری که امام علی (ع) در دوران خلفاء به عنوان مدعی خلافت تلقی می شد و براساس حدیث غدیر عده ای ایشان را جانشین رسول خدا (ص) می دانستند و در نهایت بعد از قتل عثمان، از طرف مردم به خلافت برگزیده شد. امام حسن (ع) هم بعد از شهادت پدر بزرگوارش، با معاویه که دعوی خلافت داشت روبه رو شد و در نهایت، صلح با معاویه را در اثر نافرمانی یارانش پذیرفت. بعد از شهادت امام حسن (ع)، امام حسین (ع) براساس پیمان صلحی که برادر بزرگوارش با معاویه بسته بود؛ اقدامی علیه معاویه انجام نداد و بعد از مرگ معاویه، یزید از آن حضرت درخواست بیعت کرد که در نهایت، به حادثه غمبار عاشورا منجر شد. در این دوره، هر سه امام شمشیر به دست گرفتند به همین خاطر می توان این سه امام را « ائمه السیف » نامید چراکه با دشمنان وارد کارزار شدند. شرایط زمانه، به امامان این اجازه را می داد که با حکومت درگیر شوند و برای مبارزه با ظلم و ستم و به منظور دستیابی به قدرت سیاسی که حق آنها بود، تلاش کنند. براساس رویکرد خردورزی راهبردی به اقدامات ائمه در این دوره تاریخی، در دل جامعه اسلامی طیفی از مردم بودند که به روش حکومت علوی باور داشتند و حکومت وقت هم کاملاً وجود چنین پایگاه اجتماعی را درک می کرد و از آن هراسان بود. ائمه این دوره،

می توانستند شمشیر به دست گرفته مستقیماً با حاکمان ستم پیشه ای چون معاویه ابن ابی سفیان و یزید ابن معاویه بجنگند.

۲- راهبرد تعلیم و تربیت دانشمند (ائمه الکتاب) :

امام علی بن حسین، امام محمد بن علی، امام جعفر بن محمد و امام موسی بن جعفر «ع»

این دوره راهبردی از زندگی امام زین العابدین شروع می شود و به دوران حیات امام رضا (ع) ختم می شود. حادثه عاشوراء پیام بزرگی را برای جامعه مسلمین به دنبال داشت و موجب شد امامان بعدی روش خودشان را عوض کنند و به تربیت شاگرد و دانشمند همت بگمارند. بعد از حادثه عاشوراء آنقدر عرصه بر امام زین العابدین (ع) تنگ شد که آن حضرت به دعا روی آورد و صحیفه سجادیه و رساله الحقوق امام سجاد در این دوره، نوشته شد. در این دوره محوریت و کانون فعالیت ائمه از سطح حکومت به سطح جامعه تنزل یافت. امام محمد باقر و امام جعفر صادق «علیهما السلام» به تربیت شاگرد و اشاعه علوم و حیانی پرداختند. " عصر امام باقر و صادق «علیهما السلام» عصر گسترش علوم اهل بیت «علیهم السلام» در زمینه های مختلف بود. این مساله درباره امام صادق «علیه السلام» بیشتر صدق می کند و این به دلیل مصادف شدن بخشی از دوران امامت آن حضرت با فضای باز سیاسی بود که در نتیجه خلاء سیاسی ناشی از انقراض حاکمیت نیرومند امویان از یک طرف و روی کار آمدن بنی عباس از طرف دیگر به وجود آمده بود. امام، توجه تام و تمام شیعیان را به اهل بیت جلب کرده و آنان را از تمسک به احادیث دیگران باز می داشت. این امر مهمترین علت شکل گیری فقه شیعه به صورتی مستقل و اصیل بود و اهمیت آن از پیش تاحدودی در زندگی امام باقر «علیه السلام» تبیین شده بود. " (جعفریان ۱۳۸۷: ۳۴۵) در دوره امام محمد باقر و امام جعفر صادق «علیهما السلام» اصول اربعمائه (جزوه های چهارصدگانه) گردآوری شد و دانشمندان زیادی تربیت یافتند و امامان شیعه از فرصت پیش آمده بهترین استفاده را نمودند و بدنه جامعه شیعه را با تربیت عالمان فرهیخته پایه گذاری کردند. براساس خردورزی راهبردی، در دوران انتقال قدرت از بنی امیه به بنی عباس فضای نسبتاً آرامی به وجود آمد و ائمه هم از رخوت دشمنان اهل بیت بهترین استفاده را نمودند و به نشر معارف اسلامی پرداختند.

۳- راهبرد تاسیس نظام وکالت (ائمه الوکاله) :

امام علی بن موسی و امام محمد بن علی «علیهما السلام»

روزگاری که امام موسی کاظم (ع) در آن زندگی می کرد، همزمان با آغاز استبداد خلفای عباسی بود. عباسیان بعد از آن که قدرت و حکومت را به اسم علویان در دست گرفتند، با مردم وبه ویژه با علویان برخورد نسبتاً خوبی داشتند؛ اما به محض این که درحکومت استقرار یافته و پایه های سلطه خود را مستحکم کردند واز طرف دیگر با بروز قیام های پراکنده ای که به طرفداری از علویان پدید آمد و آنها را سخت نگران کرد، بنا را بر ستمگری گذاشته و مخالفان خود را زیر شدیدترین فشار ها قرار دادند. آنها حتی نزدیکترین دوستان خود همچون عبد الله ابن علی را به خاطر تلاش های پنهانش، برای به دست آوردن جانشینی سفاح کشتند. به همین ترتیب ابو سلمه و ابو مسلم خراسانی را نیز از بین برد. " (همان : ۳۸۴) سختگیری و شدت عملی که هارون الرشید در برخورد با امام کاظم به خرج داد نهایت سنگدلی و کینه عباسیان را نمایان کرد. امام رضا (ع) هم در نهایت به دربار مامون عباسی احضار شد و بعد از مدتی به شهادت رسید و امام جواد هم به بغداد، مرکز حکومت عباسیان فراخوانده شد و در سن ۲۵ سالگی به شهادت رسید.

خلفای عباسی به خوبی از پایگاه مردمی ائمه آگاه بودند و از اقبال مردم نسبت امامان، در هراس بودند؛ برای جلوگیری از توجه مردم به آنها، سعی کردند با احضار ائمه به دارالخلافة به طور غیرمستقیم آنها را تحت نظربگیرند. طبعاً اینگونه اعمال مودیانه باعث کاهش ارتباط ائمه با مسلمانان می شد، ایجاد شبکه ای از وکلاء در مناطق مختلف بلاد اسلامی امکان ارتباط غیر مستقیم و ساماندهی امور مسلمین را فراهم می کرد. به ویژه شیعیان امامی در سرتاسر بلاد اسلامی زندگی می کردند. بسیاری از آنان در بغداد، مدائن و سواد عراق و عده ای نیز در ایران و سایر نقاط کشور های آن روز به سر می بردند. اینها علاوه بر ارتباط از طریق وکلای آن حضرت، در ایام حج نیز در مدینه با امام جواد دیدار می کردند. براساس رویکرد عقلانیت استراتژیک (خردورزی راهبردی)، امام رضا و امام جواد «علیها السلام» به خاطر شرایط خاصی که داشتند و برای کنترل آن دو بزرگوار، حتی مامون یکی از دختران خود به نام ام حبیب را به عقد امام رضا درآورد و دختر دیگرش ام فضل را هم به امام جواد تزویج کرد؛ تاسیس شبکه نظام وکالت با استفاده از شاگردان تربیت یافته مکتب امام باقر و امام صادق (ع)، بهترین راه برای دور زدن اینگونه اقدامات بوده است.

۴- راهبرد آمادگی برای غیبت (ائمه الغیبه):

***امام علی بن محمد، امام حسن بن علی و امام حجت بن الحسن العسکری «علیهم السلام»**

به تدریج که قدرت خلفای عباسی اوج می گرفت، بر شدت برخورد آنها با ائمه معصومین افزوده می شد و حلقه محاصره تنگ تر می گشت؛ به طوری که متوکل عباسی در سال ۲۳۳ هجری تصمیم گرفت تا امام هادی

(ع) را از مدینه به سامراء منتقل کند. با انتقال امام هادی به سامراء، دستگاه خلافت عباسی به راحتی می توانست ارتباط مردم با امام را تحت نظر داشته باشد. البته اینگونه کنترل، مدل پیشرفته رفتار مامون عباسی با امام رضا و امام جواد «علیهما السلام» بود. نگهداری و تحت نظر گرفتن امام در یک پادگان نظامی نشان از هراسی دارد که حکومت از علویان داشته و در این دوره بسیار سخت، شبکه نظام وکالت که در دوره قبل تاسیس شده بود کارائی خودش را نشان داد و تنها حلقه ارتباطی غیر مستقیم مردم با ائمه بوده است. بعد شهادت امام هادی(ع) هم امام حسن عسکری در سامراء محصور شد و به طور طبیعی مردم با شکل گیری شبکه نظام وکالت، برای دوران غیبت آماده می شدند و ملاقات امام حسن عسکری برای مردم سخت شده بود و در نهایت امام عسکری در سن ۲۸ سالگی بعد از شش سال امامت، به شهادت رسید. دوران امامت امام عسکری در میان ائمه کمترین مدت امامت می باشد و فرزندش امام مهدی هم در سن ۵ سالگی به امامت رسید که این امر هم در میان ائمه سابقه نداشته است. با این توضیحات و بر اساس خردورزی راهبردی، ائمه در این دوره توانستند جامعه تشیع را برای دوران غیبت طولانی آماده کنند و با تربیت دانشمندان وارسته زمام امور روزمره شیعیان را به دست آنها بسپارند.

جمع بندی نهائی:

دوران عصر حضور امامان شیعه، حدود ۲۵۰ سال طول کشید و در این تحقیق این دوران به چهار دوره راهبردی تقسیم شده است. دوره اول که راهبرد دستیابی به قدرت نام گرفته، حدود ۵۰ سال طول کشید و امامان این دوره را «ائمه السیف» نامیدیم و دوره دوم که دوران تعلیم و تربیت دانشمندان بود، تقریباً ۱۲۳ سال بوده است و امامان این دوره را به خاطر تلاش های علمی و دائر کردن محفل دانش؛ «ائمه الکتاب» نامگذاری کردیم و دوره سوم هم که نظام وکالت در آن تاسیس شد، ۳۷ سال به طول انجامید و امامان این دوره به نام «ائمه الوکاله» می باشند. دوره چهارم راهبردی هم که آخرین دوره می باشد، ۴۰ سال بوده است و امامان این دوره هم به خاطر آماده کردن مردم برای دوران غیبت «ائمه الغیبه» نامیده شدند.

اکنون که قرن چهاردهم هجری شمسی است، حدود ۱۲ قرن از شروع دوران غیبت امام مهدی (عجل الله نعالی فرجه الشریف) می گذرد؛ الان نه از خلافت بنی امیه خبری هست و نه از خلافت بنی عباس. اما هنوز در سراسر جهان، چند صد میلیون انسان، امامت امام مهدی را باور دارند و در انتظار ظهور او هستند. این در حالی است که نظریه خلافت اهل سنت که تجلی آن در خلافت خلفای اربعه، خلافت بنی امیه و بنی عباس

وامپراطوری عثمانی بوده، اکنون عملاً منقرض شده و حتی کشور های که اکثریت جمعیت آنها، سنی مذهب هستند با الهام از نظام خلافت اداره نمی شوند.

شیعیان با توجه به اینکه فقط در چهار کشور اکثریت هستند، علی رغم مرزبندی سیاسی و قالب تنگ دولت ملی، به واسطه نظام مرجعیت به هم پیوند خورده اند و مرجعیت در جمهوری اسلامی ایران با عنایت به اصل ولایت فقیه نقش اساسی در تحولات کشورمان دارد و در کشور عراق هم که پایگاه و مرکز سنتی و مذهبی شیعیان محسوب می شود، مرجعیت نقش قابل توجهی در تصمیم گیری های راهبردی، فرهنگی و سیاسی این کشور دارد. خردورزی راهبردی هر چند در کوتاه مدت، شاید ناکارآمد جلوه می کند ولی گذشت زمان بسیاری از نقاط قوت آن را آشکار می سازد. روی دیگر این سکه همان اجتهاد پویا است که شرایط و مقتضیات زمان را به عنوان عامل موثری در اداره جامعه اسلامی به رسمیت می شناسد. استفاده از رویکرد خردورزی راهبردی برای تبیین و تحلیل فعالیت های سیاسی و اجتماعی ائمه شیعه به این معنی است که امامان از فرصت ها ی پیش آمده بهترین استفاده را نموده و تقیه هم یکی از عناصر بوده که به کار گرفته شده تا بدنه جامعه تشیع در مقابل هجمه های ناجوانمردانه دشمنان حفظ شود و شیرازه آن از هم نپاشد.

الحمد لله رب العالمین * چهارم فروردین سال ۱۳۹۱ هجری شمسی * روح الله پیربالائی

منبع:

*جعفریان، رسول. ۱۳۸۷. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه علیهم السلام. قم: انتشارات انصاریان